

انشای رئیس‌جمهور

حاشیه‌ای بر پیشنهاد دکتر حسن روحانی در باب ایجاد زنگ‌های انشا، گفت‌وگو و کتاب

دبیر ویژه‌نامه / علی‌اکبر زین‌العابدین

«مردم بارها حرف‌های خود را به صورت شفاهی می‌زنند، اما نمی‌توانند حق و حقوق خودشان را به صورت کتبی بیان کنند. بنابراین، درخواست من از فرهنگیان و آموزش و پرورش آن است که زنگ انشا را، البته نه به معنای سنتی‌اش، احیا کنند و به دانش‌آموز اجازه دهند در انشای خود از رئیس‌جمهور انتقاد کند و به او پیشنهاد دهد. نواقص و کاستی‌های رئیس‌جمهور را در کار اداره کشور بنویسند و آموزش و پرورش انشاها را برای ریاست‌جمهوری ارسال کند تا پیوند رئیس‌جمهور با دانش‌آموز بیشتر و بیشتر شود.»

«زنگ گفت‌وگو به‌ویژه باید در دوره متوسطه ایجاد شود، چرا که دانش‌آموزان باید از مدرسه گفت‌وگو کردن با یکدیگر، نقد مؤدبانه و انتقاد از یکدیگر را یاد بگیرند. درخواست من آن است که با ایجاد زنگ گفت‌وگو، کرسی‌های آزاداندیشی که مورد توجه مقام معظم رهبری است نیز محقق شود. بنابراین، به وزارت آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ و ارشاد پیشنهاد دارم که این زنگ را در ساعتی از هفته یا ماه در مدارس بگنجانند و سپس این زنگ به عنوان ماده‌ای درسی که دانش‌آموز به ازای آن نمره می‌گیرد، تبدیل شود. قطعاً با این اقدام دانش‌آموزان با بحث و مباحثه و تضارب آرا آشنا و آشناتر می‌شوند.»

«من از آموزش و پرورش و فرهنگیان درخواست دارم زنگ کتاب را ایجاد کنند و ساعتی را در طول هفته یا ماه به کتاب‌خوانی دانش‌آموزان و توضیح خلاصه آنچه که دانش‌آموز خوانده است، اختصاص دهند. جامعه ما از کتاب و کتابخوانی فاصله گرفته است. خواندن کتاب باید از کلاس اول شروع شود. در کشورهای پیشرفته، دانش‌آموزان ابتدایی هر هفته چند کتاب می‌خوانند و خلاصه‌اش را برای هم‌کلاسی‌ها بیان می‌کنند.»

سخنان رئیس‌جمهور در مراسم آغاز سال تحصیلی ۹۳-۹۲ / جراید

اجزای برای احقاق حقوق ملت می‌داند و این انتقاد را به جامعه خود روا می‌دارد که چرا مردم نمی‌توانند مطالباتشان را کتباً بیان کنند؟ چرا صداهایی که باید به گوش بالاترین مقامات اجرایی کشور برسد، تنها در چارچوب تنگ و کوچک تاکسی‌ها، مهمانی‌ها و گفت‌وگوهای روزمره در محل کار و ... بازگو می‌شود و هیچ ثمری هم ندارد؟ رئیس‌جمهور حقوقدان می‌داند هر نوع بیان مکتوب، یک سند است و سند، ماندگار است و قابل پیگیری. از سوی دیگر آنچه در روند نوشتن روی می‌دهد اندیشمندان، متمرکز و برپایه آگاهی‌های دقیق‌تر فرد قرار دارد. هوشمندی این پیشنهاد آن جاست که او اولین واکنش مخالفان را پیش‌بینی کرده است؛

و کتاب را عرضه کردیم، در حالی که به هنگام طراحی و آماده‌سازی آن ویژه‌نامه، هنوز پیشنهادات اخیر رئیس‌جمهوری مطرح نشده بود و مانیز در شورای کارشناسی ماه‌نامه، ضرورت پرداخت به موضوع کتاب در مدارس را احساس کرده بودیم؛ از این رو به عقیده صاحب این قلم، پیشنهادات رئیس‌جمهوری از بارزش‌ترین اخبار رسمی حوزه آموزش و پرورش دهه‌های اخیر بوده است. اکنون رئیس‌جمهور محترم، توپ را به زمین ما فرهنگیان انداخته و ما باید بازی را آغاز کنیم.

تأکید رئیس‌جمهوری بر شیوع آموزش و فراگیری نگاه تحلیل‌گرایانه و انتقادی در میان دانش‌آموزان است. رئیس‌جمهور نوشتن را

هیچ‌گاه در تصور مانمی‌گنجید بالاترین مقام اجرایی کشور از مهجورترین درس آموزش و پرورش، «انشا»، سخنی بر زبان بیاورد. به این می‌ماند که کاندیدای ریاست‌جمهوری همراه وعده‌های کاهش قیمت گوشت و مرغ و گسترش ارتباطات سیاسی و حتی ارج‌گزاری به مقام معلمان، پرستاران، زنان، جوانان و ... در فعالیت‌های انتخاباتی اعلام کند که از درس انشا حمایت می‌کنم! اما حالا دکتر روحانی در اولین نطق رسمی خود در یک مدرسه، پس از شروع دوره ریاست‌جمهوری، پیشنهاداتی داده مبنی بر افزایش سه زنگ در مدارس: انشا، گفت‌وگو و کتاب.

در شماره آبان‌ماه رشد معلم، ویژه‌نامه «معلم



انشا

پرونده ویژه

بازگشت انشا

مهیجور و منفعلانه ادبی که در دنیای ادبیات هم دیگر هوادار چندانی ندارد. هدف از برپایی کلاس انشای نوگرایانه، آموزش بهره‌گیری از ابزار نوشتن در خدمت نیازهای دنیای امروز است؛ نیاز روزافزون رسانه‌های کاغذی و الکترونیکی، نیاز مراودات قلمی دنیای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، نیاز دانشگاه‌ها و نهاد پژوهش که جز از راه قلم نمی‌گذرد، نیاز صاحبان حق در ستاندن حقوقشان از محاکم و سازمان‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی. نیاز رسانه‌های غیر مکتوب همچون سینما و تلویزیون که ماده خامشان زبان نوشتار است و مهم‌تر از همه، نیاز و تشنگی دنیای محجوب کتاب.

به معنای عام را مد نظر گرفته است و همچنین تبلور جوهر اندیشه و آگاهی را که در خلال نوشتن و همراه با مطالعه شکل می‌گیرد. دوم اینکه اگر در کلاس انشای سنتی، دانش‌آموز می‌آموزد که در انشایی تصنعی، از کلمات قلمبه و سلمبه استفاده کند تا به‌به و چه‌چه معلمش را بلند کند، انشایی که فقط عده‌ای از بچه‌ها می‌توانند بنویسند، آن هم با موضوعاتی که تجربه تاریخی کلاس‌های انشا از پیش آن‌ها را تعیین کرده- بی‌هیچ نظام هدف‌مند و روشمند و چارچوب ارزشیابی- که نتیجتاً کشنده ذوق و شوق نوشتن در ذهن کنجکاو نوجوان است، دیگر نیازی به احیای زنگ انشا نیست. همان رویکرد

دیگران خواهند گفت: انتقاد از مقامات رسمی اجرایی، هراس‌انگیز است، بنابراین اظهار می‌دارد که دانش‌آموزان از سنین کودکی و نوجوانی، شخصاً انتقادات عاقلانه کتبی خود را تمرین کنند تا با واکنش‌های مثبت آتی رئیس‌جمهوری، این هراس تاریخی جایی در ذهن و زبان کودکان ایران زمین نداشته باشد.

رئیس‌جمهور احیای زنگ انشای سنتی را نمی‌پسندد. این رویکرد برای ما چند پیام دارد: اولاً نشان می‌دهد همه هدف ایشان بر گسترش فضای نقد و مباحثه نیست، چرا که در پیشنهاد بعدی به زنگ مطالعه و کتاب هم می‌پردازد و معلوم می‌دارد که رئیس‌جمهور، آموزش نوشتن



دروس تاریخ، ادبیات و فلسفه آغازگر آموزش همگانی نوین می‌بودند، آن وقت امروزه فقر دانش انسانی و فرهنگی، تن‌خسته‌مان نساخته بود. دکتر روحانی از معدود مسئولان طراز اول اجرایی تاریخ معاصر ایران است که در علوم انسانی متبحر است و در نتیجه، صداهاى فروخورده اهلای فرهنگ و ادب را در بلندگوی دانش‌آموزان مدرسه‌ای در منطقه هجده تهران فریاد می‌کشد. پس آغاز این حرکت بزرگ می‌تواند مقدمه‌ای نیز باشد بر تقویت علوم انسانی در واحدهای درسی مدارس به ویژه رشته‌های ادبیات و علوم انسانی در دوره متوسطه.

در ازای پیشنهادات رئیس‌جمهور آگاه از دغدغه‌های فرهنگیان، به عنوان عضوی کوچک از جامعه بزرگ فرهنگیان، پیشنهاد می‌کنم در معاونت فرهنگی نهاد ریاست‌جمهوری، اداره‌ای به‌منظور نظارت بر رواج نوشتن و خواندن و گفت‌وگو تشکیل شود و نه تنها با استمداد از فرهنگیان، که با یاری کارشناسان و متخصصان حوزه فرهنگ و علوم انسانی، برنامه‌ای جامع تدوین شود تا اهداف رئیس‌جمهور، پشتوانه اجرایی فربه‌تری داشته باشد و هم‌چنانکه خودشان اشاره کرده‌اند، وزارتخانه‌هایی چون فرهنگ و ارشاد اسلامی، یا علوم و تحقیقات و فناوری و دیگر نهادهای مرتبط را به تحرک وادارد و فرهنگ عمومی را نیز به جریان بیندازد که دانش‌آموز ما در سراسر کشور، هر طرف که رو می‌گرداند، فضای فرهنگی کشورش را با فرهنگ خوانداری و نوشتاری بیگانه نبیند. ضمن آنکه در این اداره، بخشی تشکیل شود که گردانندگان آن کودکان و نوجوانان باشند که بهتر از هر کس نیازهای خود را بر ملا می‌سازند.

اولین انشای رئیس‌جمهور به مذاقمان خوش نشست. ما و همکارانمان نیز در این «ویژه‌نامه» به شوق آمدیم و چندانشادریاره «انشا» نوشتیم. باز هم منتظر انشاهای دیگر رئیس‌جمهور با موضوع «انشا» هستیم. ■

واکنش بهنگام و مثبت دکتر غلامعلی حدادعادل، به پیشنهادات رئیس‌جمهور، در نامه خطاب به وزیر محترم آموزش و پرورش که حمایت همه جانبه اعضای مجرب و دانشمند فرهنگستان را به عنوان مقوم علمی و فرهنگی پیشنهادات رئیس‌جمهور اعلام داشته‌اند، نخست صخه می‌نهد بر دغدغه بزرگان فرهنگ در به دور ماندن جامعه ایرانی از ادبیات مکتوب و اقتدار ناخوشایند سایه وسیع ادبیات شفاهی و دوم بیان می‌دارد که سامان بخشی به کار انشا و مطالعه در کشور، در بضاعت و توان یک شخص، یک نهاد و یک وزارتخانه نیست و حمایتی ملی می‌طلبد. در این میان اما انتظار می‌رفت سایر نهادها و سازمان‌های دولتی و مردم‌نهاد (NGO) مرتبط، واکنش‌های همسوگرایانه و مشوقانه‌ای بروز می‌دادند که متأسفانه بازخوردها بسیار اندک و ناچیز بوده است.

تشکیل چندین جلسه فوق‌العاده کارگروه تخصصی زنگ انشا با حضور وزیر محترم آموزش و پرورش، جناب آقای دکتر فانی، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی جناب آقای دکتر بهرام‌محمدیان، در بررسی مسائل و موانع اجرایی افزایش سه زنگ پیشنهادی رئیس‌جمهور، نویدبخش آغاز فعالیت رسمی آموزش و پرورش در اجرای پیشنهادات رئیس‌جمهور است. بدون تردید، فرهنگیان سراسر کشور می‌توانند به هر وسیله ارتباطی ممکن، تجربیات منحصربه‌فرد، نظرات و طرح‌های سنجیده و کارای خود را در جهت تسریع و تعمیق اجرای طرح مذکور به وزارتخانه ارسال کنند.

و اما به نظر می‌رسد مؤثرترین دلیل شکل‌گیری این ایده در ذهن رئیس‌جمهور، تحصیلات عالی‌شان در حوزه علوم انسانی است. شاید اگر روزی که دارالفنون به عنوان نخستین مدرسه مدرن ایرانی تأسیس شد، اولین علوم مورد توجه در آن، تنها ریاضی و فنون نظامی و مهندسی و ... که نیاز کوتاه مدت آن دوران بود، نمی‌بود و به جای آن‌ها

با وجود این که رئیس‌جمهور فعلی، معلم نبوده و نیست و هیچ‌گاه در فعالیت‌های رسمی خود، در آموزش و پرورش سمت و کسوتی نداشته، مطلع است که سال‌هاست زنگ انشا از دوره دوم متوسطه حذف شده است؛ در دوره‌ای تحصیلی که از قضا دانش‌آموز در پختگی دوران محصلی خود است. رئیس‌جمهور به این امر هم واقف است که تأسیس سه زنگ تازه و افزودن بر ساعات درسی مدارس در مدتی کوتاه، کاری است سخت و صعب؛ از همین رو نه تنها از وزارتخانه تحت مسئولیتش خواهش می‌کند که مقدمات کار را فراهم آورند، که از ما فرهنگیان نیز چنین درخواستی دارد. این دقیقاً بیانگر آن است که افزودن این سه زنگ به ساعات رسمی مدارس، حتی اگر در زمانی کوتاه میسر باشد نیز، به تنهایی کاری پیش نمی‌برد. جامعه فرهنگیان از جمله مدیران مدارس و مناطق و استان‌ها، معلمان، مؤلفان کتاب‌های درسی، دانشگاه فرهنگیان و مراکز تربیت معلم، پدیدآورندگان مجلات رشد، همه و همه باید عمیقاً به این باور برسند که آموزش نوشتن، مطالعه و گفت‌وگو، بن‌مایه هر نوع آموزش دیگری است. بنابراین، باید خودسازی کنند، باید از منابع مرتبط تغذیه کنند، باید نگاهشان را رنگی تازه بخشند. چرا که متولیان چنین نهضتی، خود ناگزیر در فضایی تربیت نیافته‌اند که مجهز به ابزار و آشنا به رموز امر باشند. از این رو، تعبیر «معلم یادگیرنده و یاددهنده» در سند ملی آموزش و پرورش، به شیواترین بیان خود در گسترش چنین نهضتی ما را فرا می‌خواند. و صدا البته که اجرای چنین ایده‌هایی در مدارس، نه تنها نیازمند مواد درسی است، بلکه به سعه صدر و انعطافی مدبرانه نیاز دارد تا قطار از ریل خارج نشود. به علاوه آنکه برجسته‌سازی نیاز به مطالعه و نوشتن، صرفاً با تأسیس زنگ‌های تازه تحقق نمی‌پذیرد. آموزگاران سایر دروس نیز در میانه میدان قرار دارند و آن‌ها نیز ناگزیر از مهارت‌آموزی و هم‌چنین فضا سازی در کلاس‌هایشان هستند.



شوق نوشتن

چند نکته دربارهٔ ترغیب بچه‌ها به نوشتن

سعید کفایتی

اگرچه بهترین حالت برای دانش‌آموز آن است که در مورد هر آنچه دوست دارد بنویسد، ولی می‌توان به او آموخت چگونه به موضوع ارائه شده بنگرد، خلاقیت و ابتکار خود را جاشنی کار کند و در نهایت اثر جدیدی بیافریند.

را خودشان انتخاب کنند. در واقع، نوشته مانند کودکی است تازه متولد شده و حالا اولیای او باید نام شایسته‌ای برایش برگزینند.

ایجاد هوای لطیف شعر و شاعری

شروع یا پایان کلاستان را با شعر درهم بیاویزید. بهتر است در حرف‌ها، گفته‌ها و حتی کپی‌هایتان اثری از دنیای هنر و ادبیات قابل ردیابی باشد. در این صورت است که می‌توان انتظار داشت شاگرد شما نوشته‌اش را با شعری زیبا یا حکایتی نغز آغاز کند.

اختصاص زمانی برای خواندن

فرصتی را برای خواندن نوشته در نظر بگیرید. به دانش‌آموز تأکید کنید اولین کسی که باید نوشته‌هایش را بخواند، خود اوست. اولین بار بدون صدا و صامت و بار دوم با صدای نیمه‌بلند، طوری که فراز و نشیب‌ها برای خود او معلوم شود. با این کار به او یاری می‌دهید که قبل از ارائهٔ کارش آن را کنترل کند.

روشن نگه‌داشتن اجاق نوشتن

مثل همهٔ رشته‌های دیگر، برای انشا نیز باید از آسان به‌سوی مشکل رفت. بعضی موضوعات مثل «تابستان خود را چگونه گذرانید» مجال خوبی به کودک می‌دهد که خیلی چیزها بگوید و خیلی چیزها بنویسد. برای دختران می‌توان دستور آشپزی را هم به برنامه اضافه کرد، یعنی بنویسند که فلان غذا چگونه تهیه می‌شود. مطمئناً توضیحات آن‌ها باید کامل و دقیق باشد. آخرین بار ما روی تخته نوشتیم: «امیرمسعود با عجله سوار قایق شد. هنوز چند لحظه نگذشته بود که ناگهان متوجه شد ...» ادامهٔ داستان را بچه‌ها نوشتند. نه یک صفحه بلکه چند صفحه. من هم در کلاس بر آتش شوق آن‌ها دامن زدم. امیدوارم شما هم همواره شعلهٔ ذهن بچه‌ها را روشن نگاه دارید. ■

گستراندن سفرهٔ دل

بعضی از بچه‌ها مستقیماً تراوشات ذهنی‌شان را روی برگهٔ اصلی می‌نویسند. بعد هنگام بازخوانی متوجه می‌شوند که جاهایی اشتباه کرده‌اند. با شروع خط زدن و افزایش تعداد خط‌خوردگی‌ها زیبایی ورقه‌شان به شدت دستخوش آسیب می‌شود. به همهٔ شاگردانتان یادآوری کنید که هر آنچه دوست دارند روی صفحه‌ای به نام «سفرهٔ دل» بگذارند (بنویسند) و نگران چیزی نباشند.

هیچ ترتیبی و آدابی مجوی هر چه می‌خواهد دل تنگ بگویی

کشیدن نقشهٔ ذهنی

دانش‌آموزان را با نقشهٔ ذهنی* آشنا کنید. همان‌طور که می‌دانید، در طراحی نقشهٔ ذهنی، موضوع اصلی را در وسط کادر قرار می‌دهند و حرف‌های دیگر را مانند شاخه‌های یک درخت از تنهٔ اصلی می‌آویزند. این کار باعث می‌شود در یک نگاه کلی بتوان جمع‌بندی کرد آیا به آنچه خواسته‌اند پرداخته‌اند یا خیر؟ ممکن است درخت آن‌ها جوانهٔ تازه‌ای بخواهد؛ مشکلی نیست. به آن اضافه می‌کنند.

جدی گرفتن کتاب و کتابخوانی

شما چقدر می‌توانید مثلاً دربارهٔ کشور «پرو» مطلب بنویسید. قطعاً این موضوع به میزان اطلاعات شما از محل مورد نظر بستگی دارد. کودکی هم که اهل مطالعه نیست و زیاد کتاب نخوانده است، غالباً نمی‌تواند به اندازهٔ مناسب بنویسد. بچه‌ها را به خواندن کتاب تشویق کنید. خودتان هم در کلاس حتی به مقدار کم برایشان کتاب بخوانید. به کتابخانهٔ کلاس و مدرسه صفا بدهید.

انتخاب عنوان

اگر از نویسندگان معروف هم سؤال کنید، به شما پاسخ خواهند داد که عنوان نهایی کتابشان را در پایان کار قطعی کرده‌اند. یعنی اول مطالب را نوشته و گردآورده‌اند، سپس برای آن نام مناسب گذاشته‌اند. اجازه دهید بعضی اوقات بچه‌ها عنوان مطلب

همچون بسیاری از عنوان‌های درسی، هنگامی معلم به موفقیت بیشتری دست می‌یابد که «عامل» گفته‌های خود باشد. آموزگاری که ذوق نوشتن دارد، شور و حال خوب نگارش را با کمترین زحمتی به بچه‌ها منتقل می‌کند. روی میز چنین معلمی همیشه ورقه‌ای سفید پیدا می‌شود که دل‌نوشته‌های او را ثبت کند. این الگو می‌تواند پله‌پله شاگردان را به اوج برساند.

آموزش قبل از ارزشیابی

یادم هست، سال‌ها قبل، آموزگاری پیش من آمد و گفت: «اگر فرصت دارید بی‌زحمت این ورقه‌های انشا را نمره بدهید». به او گفتم: «در کلاس چه گفته‌اید و چه تدریس کرده‌اید؟» پاسخ داد: چیز خاصی نگفتم، فقط به بچه‌ها گفته‌ام بنویسند بدون معطلی برگه‌ها را به ایشان برگردانم. با تعجب پرسید: چی شد؟

گفتم: «همهٔ بچه‌ها نمرهٔ عالی می‌گیرند، وقتی آموزش نداده‌ایم، چه چیز را ارزیابی کنیم؟» از قبل به دانش‌آموزان بگویند چه نکاتی برایتان مهم است و به چه مواردی امتیاز می‌دهید.

انتخاب با سلیقه

عنوان‌های تکراری و خسته‌کننده کودکان را به نوشتن بی‌ رغبت می‌کند. اگر قرار است عکس یا تصویری را توصیف کنند، لطفاً به امکانات و کیفیت چاپ در مدرسه‌تان دقت کنید. بسیار دیده می‌شود که دانش‌آموز حتی سر جلسهٔ امتحان از معلم می‌پرسد: آقا/خانم این چیه؟ از تصویرها و نوشته‌های واضح استفاده کنید. رنگ‌های سیاه و سفید و واضح نبودن تصویر، چشمهٔ ذوق کودکان را کور می‌کند.

بازگذاشتن پنجرهٔ خلاقیت

موضوعاتی را برگزینید که راه را برای خلاقیت باز نگه دارند. اگر قرار است کودکان دربارهٔ آلودگی هوای تهران یا شهرهای بزرگ بنویسند، در ادامه بخواهید پیشنهاد و نظر خودشان را نیز بگویند. یک تصویر زیبا به آن‌ها بدهید که عناصر و اجزای آن به قدر کافی متنوع باشد. بعد بخواهید که برای آن داستان بنویسند.

انشا هنر یا مهارت؟

نشستی دربارهٔ چگونگی احیای درس انشا در مدارس
سمانه آزاد/ عکاس: اعظم لاریجانی



یاد قصه‌های مجید به‌خیر؛ مجیدی که انشا نوشته بود، اما نه باب طبع ناظم حسابگر، که جای معلم ادبیات به کلاس آمده بود. مجید موضوع کلیشه‌ای «می‌خواهید در آینده چه‌کاره شوید؟» را جور تازه‌ای نوشت؛ نوشت که می‌خواهد مُرده‌شور شود. او نخواست دکترا، مهندس یا حتی معلم شود. او برای مرده‌شویان دلسوزی کرد. شاید ما هم با یادآوری این داستان، به دورانی برگشته باشیم که از خواندن انشا در حضور معلم وحشت داشتیم. امیدواریم خبرهایی که از وزارت آموزش و پرورش می‌رسد، نویدبخش روزهایی باشد که اشتیاق به نوشتن و خواندن، جای ترس و اضطراب را بگیرد و دانش‌آموزان، مهارت و هنر نوشتن را در مدرسه به شیوهٔ علمی بیاموزند. حال که قرار است براساس سخنان رئیس‌جمهور اندیشمند زنگی با هدف گسترش فرهنگ مطالعه و روش‌های

چهار نسل‌اند که در آموزش و گسترش فرهنگ نوشتاری برای کودکان و نوجوانان و به‌ویژه درس انشا و آیین نگارش از پیشگامان هستند. هر چند که جای بسیاری خالی بود، اما محدودیت صفحات مجله بیش از این مجال نمی‌داد.

صحیح گفت‌وگو و آموزش انشا طراحی شود، چه محتوایی لازم داریم؟ معلم این درس باید چه شایستگی‌هایی را کسب کرده باشد؟ و مهم‌تر از همه، برای چنین درسی چه پیش‌نیازهایی لازم است؟ افراد حاضر در این میزگرد، نمایندگان

معلم: بسیاری از معلمان معتقدند دانش‌آموزان ما در نوشتن ناتوان‌اند. حتی معلمان درس‌های غیر از ادبیات مانند علوم، می‌گویند ما متوجه معنا و مفهوم بسیاری از نوشته‌های بچه‌ها نمی‌شویم، چون نمی‌دانند باید چگونه آنچه را که در ذهن دارند، منتقل کنند. از سوی دیگر، بیست سالی است که در دبیرستان، زنگ انشا نداریم. یعنی بچه‌ها بعد از دوره راهنمایی، دیگر انشا نمی‌نویسند. اما با توجه به تأکید رئیس‌جمهور محترم، خبرهایی مبنی بر ایجاد زنگ مستقل انشا می‌رسد و کارگروهی هم با حضور وزیر محترم آموزش و پرورش برای این موضوع تشکیل شده است. «لزوم ایجاد چنین زنگی چیست؟»

کمالی: نوشتن نیاز عصر ماست و در کوچک‌ترین زوایای زندگی ما حضور دارد. لذا شاید پاسخ دادن به این سؤال از آنجا که بدیهی است، زائد به‌نظر برسد. به‌نظرم باید درباره این بگوییم که: «آیا می‌خواهیم در زنگ انشا به نوشتن ادبی بپردازیم یا نوشتن به‌عنوان یک مهارت؟» از نظر من معلم، نوشتن مهارت است و باید به شکل یک مهارت در دانش‌آموز ایجاد شود؛ همان‌طور که دانش‌آموزان امروز باید مهارت کار با رایانه را بیاموزند. نوشتن مهارتی ابتدایی است و نمی‌توان آن را حذف کرد. این مهارت به خدمت چند مهارت دیگر از جمله تفکر و زبان‌آموزی در می‌آید و آن‌ها را پرورش می‌دهد. دانش مهارت نوشتن، به اندازه مهارتی مانند حرف‌زدن، هم بدیهی است و هم ضرورت دارد. همان‌گونه که گفت‌وگو مهارت است، نوشتن هم مهارتی است که باید آموزش داده شود. من با آموزش نوشتن ادبی خیلی موافق نیستم، چون مربوط به سطوح بالای نوشتن است. اولویت با سطح عمومی نوشتن است که هر انسان امروزی باید بلد باشد. با ایجاد زنگ انشا، زبان فارسی را هم نجات می‌دهیم. به هر حال، خواه‌ناخواه بچه‌ها به ضرورت‌هایی دست به قلم می‌برند و می‌نویسند، اما اگر ما نوشتن را به آن‌ها آموزش ندهیم، زبان فارسی را دچار آسیب می‌کنیم. چون آن‌ها دیگر هر نوع صرف و نحوی را که بخواهند وارد زبان می‌کنند و در نتیجه، زبان، به تدریج قابلیت ماندگاری خود را از دست می‌دهد.

حسینی‌نژاد: البته برای خیلی‌ها این موضوع بدیهی نیست. پس باید از انشا و اهدافش بازتعریفی داشته باشیم. وقتی انشا را به‌عنوان مهارت یا هنر

نگاه کنیم، روش کار و آموزش هم تغییر می‌کند. اما به‌نظر می‌رسد هنوز آموزش و پرورش به تعریفی از این موضوع نرسیده است. یعنی هنوز انشا را نوعی خلاقیت می‌داند و این نگاه، مسیر را تغییر می‌دهد. اما وقتی از آن با عنوان مهارت یاد می‌کنیم، مینا و آموزشی برای معلم ایجاد می‌کنیم تا آن را در کلاس اجرایی کند.

کمالی: البته به‌نظرم تنها مهارت داشتن معلم کافی نیست. چون نمی‌توان متفکر و خلاق نبود و کتاب نخواند، ولی نوشتن درس داد. اگر به انشا فقط به چشم مهارت صرف نگاه کنیم ممکن است آن را به امری مکانیکی تبدیل کنیم و روح نوشتن را از آن بگیریم.

زین‌العابدین: این دو رویکرد همدیگر را رد نمی‌کنند. یعنی خود خلاقیت هم سطوح متفاوتی دارد. همین‌که نخستین کلمه را روی کاغذ می‌آوریم، خلاقیت اتفاق افتاده است. اما سطوح بالای خلاقیت را می‌توانیم «گونه ادبی» زبان نام بگذاریم؛ جایی که می‌توان صنایع ادبی و آرایه‌ها و فنون ادبی را هم وارد نوشته کرد. بنابراین، چه منظور ما بعد هنری و چه بعد مهارتی نوشتن باشد، خلاقیت در آن وجود دارد. به‌نظر من، آموزش نوشتن بیشتر با شخصیت فرهنگی معلم گره خورده است تا با کتاب درسی و ... در واقع نمی‌توان گفت آموزش نوشتن، فرمولی دارد که هر معلمی بتواند نوشتن را طبق آن آموزش دهد. چون بخش نادیدنی و نامرئی آن، مانند فکر کردن و جرئت، و توانایی بروز آن روی کاغذ، باید در خود آموزگار هم باشد. من فکر می‌کنم یکی از دلایل قطعیت وجود درس انشا، احساس ارزشمندی است که از طریق تولید نوشته به دانش‌آموز دست می‌دهد.

اقبال‌زاده: مهارت نوشتن از هنر نوشتن جدا نیست. یعنی اگر مهارت‌های ابتدایی را نداشته باشید، نمی‌توانید به مرحله خلق برسید. ما نباید نوشتن را به نوشتن ادبی منحصر کنیم. زنگ انشا نباید به شکل خاصی از نوشتن محدود باشد، بلکه باید زنگ «مهارت‌آموزی خلاق» باشد. گرچه صرف و نحو و نگارش درست هم باید آموزش داده شوند، اما نباید تنها به این‌ها محدود بود.

به‌نظر من انشا از همه درس‌ها مهم‌تر است. حتی اگر بخواهید ریاضی هم بخوانید، باید ذهن خلاق داشته باشید. اینشتین در اوج شهرت یک سخنرانی داشت. پس از سخنرانی، مادری همراه فرزندش به سراغ او می‌آید و می‌گوید فرزند من را نصیحت کنید، چون به ریاضی علاقه ندارد و در این درس ضعیف است. اینشتین می‌گوید: پسرم افسانه بخوان! مادر دوباره با تأکید می‌گوید فرزند من ریاضیاتش ضعیف است! اینشتین دوباره می‌گوید: پسرم افسانه بخوان. باز هم مادر با حیرت حرف خود را تکرار

می‌کند و اینشتین باز هم می‌گوید پسرم، برای تقویت ریاضی خود افسانه بخوان. این حرف را یکی از بزرگ‌ترین فیزیک‌دانان تاریخ جهان می‌گوید! انشا، به هر حال، «نوشتن خلاق» است که حتماً باید با مطالعه همراه باشد.

معلم: به نظر تان برای ایجاد زنگ انشا چه پیش‌نیازهایی لازم است؟

کمالی: شاید در قدم اول لازم باشد که دانش‌آموزان مشاهده را بیاموزند و بعد قدم به قدم مشاهده را با تفکر بیامیزند. باید به دانش‌آموزان کمک کنیم که بتوانند اندیشه‌هایشان را با هم مرتبط کنند. باید به دانش‌آموزان کمک کنیم تا بتوانند مسیر و فاصله فکر کردن تا نوشتن را کوتاه کنند، یعنی نزدیکی ذهن به زبان.

حسینی‌نژاد: برگشتن زنگ انشا به مدرسه کار ساده‌ای نیست. کار بسیار دشواری است که به برنامه‌ای قوی نیاز دارد. من به پیش‌نیازها خیلی معتقدم. در دوره‌هایی که ما درس می‌خواندیم، زنگ انشا وجود داشت؛ گرچه به تعبیر برخی برنامه پوچی بود. اما در حال حاضر نمی‌توانیم درسی را طراحی کنیم که چیزی از آن حاصل نشود. چون اکنون دانش‌آموزان از ما طلب می‌کنند.

بسیاری از بچه‌ها با وجود اینکه آموزش نوشتن نمی‌بینند، می‌توانند بنویسند. اگر هر معلم سالی یک نفر از این افراد مستعد را شناسایی کند و به او بفهماند که روزی یکی از نویسندگان بزرگ کشور می‌شود، قدم بزرگی برداشته است. در وضعیت موجود، نخستین کاری که معلم باید انجام دهد این است که استعدادها را کور نکند. اگر این اتفاق در هر کلاسی بیفتد، می‌توانیم جایگاه خوبی به‌دست آوریم. اگر حتی تنها ۲۰ درصد از معلمان با این روش کار کنند، باز هم این قدر فقر نوشتن و نویسنده نخواهیم داشت.

زین‌العابدین: به نظرم این نگاه شما خیلی نخبه‌گرایانه است. طبق نظر شما قرار است ما نویسنده پرورش دهیم. در حالی که هدف اصلی درس انشا این نیست. ما قرار است وضعیتی را پدید آوریم که همه بچه‌ها بتوانند اندیشه‌ها و دانش و مقصودشان را روی کاغذ بیاورند. البته نتیجه‌ای که از ابتدای صحبت خوب شما می‌گیرم این است که در مرحله اول معلمان کاری نکنند که خلاقیت دانش‌آموزان کور شود. یعنی میزان دخالتشان کم شود. در واقع، در اولین گام‌ها طی آموزش‌هایی به معلم بیاموزیم چه کارهایی انجام ندهد تا نوشتن اتفاق بیفتد! ولی اینکه هدفمان پرورش نویسنده باشد کمی خطرناک است.

حسینی‌نژاد: من وضعیت موجود معلمان، توانایی آن‌ها و نبود وقت برای آموزش را مدنظر قرار می‌دهم. معتقدم در مرحله اول نباید کاری کنیم که خلاقیت



علی اکبر زین العابدین

متولد ۱۳۵۹، تهران
دبیر انشا و نویسنده/
دانش آموخته رشته‌های
تاریخ و حقوق/ عضو
شورای کارشناسی و
برنامه‌ریزی رشد معلم/
نویسنده همکار مجلات
رشد کودک، نوآموز و
دانش آموز/ برگزار کننده
کارگاه‌های آموزش انشا و
نوشتن خلاق برای دبیران
همکار سروش نوجوان،
روزنامه ایران و نشریه انشا
و نویسندگی/ عضو هیئت
مدیره انجمن علمی،
آموزشی معلمان انشا/
برنده دیپلم افتخار
جشنواره مطبوعات کانون/
مؤلف مجموعه تاریخ
عجیب و غریب ایران (در
حال چاپ).



سید محمدحسین
محمدی حسینی نژاد

متولد ۱۳۳۷، قم
فوق لیسانس زبان و ادبیات
فارسی/ دبیر بازنشسته
آموزش و پرورش/ مؤلف و
پژوهشگر/ مدیر مسئول
ماهنامه انشا و نویسندگی و
نشر لوح‌زین/ عضو شورای
کارشناسی و برنامه‌ریزی
کارگاه‌های رشد معلم/
از مؤسسان انجمن
علمی- آموزشی معلمان
انشا/ رئیس هیئت مدیره
برگزاری همایش‌ها و
نشست‌های تخصصی
آموزش انشا/ برگزار کننده
کارگاه‌های آموزشی
معلمان انشا و مراکز
تربیت معلم/ مؤلف
مجموعه یازده جلدی
کتاب نگارش، آموزش
خاطره‌نویسی



شهرام اقبال زاده

متولد ۱۳۳۳، کرمانشاه
نویسنده/ مترجم/ منتقد و
پژوهشگر امور فرهنگی و
ادبیات کودک و نوجوان/
کارشناس زبان و ادبیات
انگلیسی/ دبیر سابق
انجمن نویسندگان کودک
و نوجوان/ داور چندین
دوره جشنواره‌های ادبی/
همکاری با نشریات متعدد
همچون کتاب ماه کودک
و نوجوان و پژوهش‌نامه
ادبیات کودک و نوجوان/
مؤلف آثاری چون:
فرهنگ اصطلاحات
انگلیسی- فارسی، چگونه
رمان خود را بازنگری
و ویرایش کنیم؟ و
گردآورنده مجموعه‌های
آسیب‌شناسی داستان‌های
عامه‌پسند و دینی.



رودابه کمالی

متولد ۱۳۵۰، تهران
دبیر انشا/ نویسنده و
پژوهشگر/
کارشناس ارشد عرفان
اسلامی/ سرگروه سابق گروه
انشای مدارس فرزاتگان و
منظومه خرد
عضو هیئت مدیره انجمن
علمی آموزشی معلمان
انشا/ همکار نشریات
سروش نوجوان، روزنامه
اطلاعات، رشد نوآموز،
انشا و نویسندگی/ عضو
کمیته امپیدادی/
برگزار کننده چندین دوره
کارگاه آموزشی انشا و
داستان‌نویسی برای معلمان/
مؤلف کتاب‌های «قصه‌های
مهرک و سبزرک» (نشر
چکه)، «کارگاه انشا»
(۹ جلدی، قدیانی)/
برنده جشنواره کتاب رشد.

بچه‌ها از بین برود، وگرنه نقطه ایده‌آل این است که
نخبه‌گرایی نکنیم. معلمی که اطلاعاتی درباره نحوه
آموزش انشا ندارد و شاید میل هم به این کار ندارد،
کمترین کاری که می‌تواند انجام دهد این است که
دانش آموزان با استعداد را ببیند و شناسایی کند.

کمالی: اگر ما به ارزشیابی انشا برسیم و آن را
امری قابل ارزشیابی بدانیم، خطر نخبه‌گرایی هم کم
می‌شود؛ باید برای ارزشیابی انشا معیار داشته باشیم.
چون مثلاً ممکن است یک دانش آموز نگاه خوبی در
نوشتن داشته باشد و دیگری در طنزنویسی توانا
باشد. این گونه است که معلم ابزار بیشتری برای
تشویق بچه‌ها دارد.

اقبال زاده: ولتر می‌گوید نوشتن سه مرحله دارد:
مرحله نخست تقلید از بزرگان، مرحله دوم اقتباس
و مرحله سوم که عده کمی به آن می‌رسند نوشتن
خلاقانه و هنرمندانه است. نگارش حتماً باید با تفکر
همراه باشد. بیهقی هم می‌گوید تعقل از زمانی آغاز
می‌شود که نوشتن شروع شود.

مقدم: فرض کنید از شما می‌خواهند در
وضعیت درس انشا تحولی ایجاد کنید. فارغ از
محدودیت‌ها و مسائل موجود، طرح ایده‌آل شما
برای برداشتن گام‌های اول چیست؟ اگر در چنین
موقعیتی قرار بگیرید، اولویت شما چه خواهد بود؟
حسینی نژاد: این کار فرصتی سه تا پنج ساله لازم
دارد تا برنامه‌ای برای تحول درس انشا نوشته شود.
این اولین پیش‌نیاز برای تحول درس انشاست. اگر
این کار را نکنیم، فرصتی که برای آموزش و پرورش
ایجاد شده است می‌سوزد و از بین می‌رود. علاوه بر
این، به کار کارشناسی گروه‌های قوی نیاز است
که به جمع‌بندی برسند و سپس عده‌ای باید این
جمع‌بندی را با آموزش آموزگاران اجرا کنند.

اقبال زاده: من فکر می‌کنم باید یک گروه
کارشناسی ورزیده که صرفاً از آموزش و پرورش هم
نباشند، درباره این موضوع بحث و تحقیق کنند. بر
استفاده از فعالان حوزه ادبیات کودک و نوجوان
بسیار تأکید دارم. آن‌ها از ادراک کلامی و زبانی
بچه‌ها شناخت خوبی دارند. به علاوه، از روان‌شناسان
هم باید بهره گرفت. لازم است در این گروه از خرد
جمعی ملی، از نویسندگان، منتقد، پژوهشگر، مترجم
و استفاده شود.

مقدم: به نظر تان محتوای این درس باید چه
گرایشی داشته باشد؟

کمالی: در بسیاری کشورهای دیگر، اول
به بچه‌ها یاد می‌دهند که چگونه بند بنویسند و

معلم فقط باید به نقد ساختاری بپردازد. نقد
موضوعی رسالت معلم انشا نیست، بلکه برعهده
دبیران درس‌های دیگر است. جهت‌دهی افکار
بچه‌ها بنابر سلیقه معلم انشا، بیراهه رفتن است.

چون معلم نمی‌تواند به دانش آموز بگوید
به چه چیزی فکر کند، بلکه می‌تواند
یاد دهد که در فرایند نوشتن، چگونه
اندیشه‌های خود را روی کاغذ بیاورد.
اولین ضرر جهت‌دهی افکار دانش آموز
توسط معلم این است که به اضطراب
نوشتن اضافه می‌کند. در واقع، باید
آموزش «چگونه نوشتن» معیار باشد،
نه «چه نوشتن». هر چند که معلم انشا
وظیفه دارد تجربه چگونه نگاه کردن و
نگاه کردن خلاق را با بچه‌ها تجربه کند.

حسینی نژاد: درست است که ما به
درس انشا به عنوان درسی مستقل
نگاه می‌کنیم، ولی فراموش نکنیم که
نوشتن از طریق تلفیق با سایر درس‌ها
شکل پیدا می‌کند. مستقل شدن درس انشا از این
نظر خوب است که جایگاه و منزلت انشا و معلمش
را نشان می‌دهد، ولی فراموش نکنیم که مسئول
آموزش انشا فقط معلم ادبیات نیست. خوب است
که جزایر آموزش و پرورش به هم وصل شوند و
نوشتن را به صورت بین برنامه‌ای توسعه دهند تا
تنها بخشی از بارش به عهده معلم ادبیات باشد،
همان طور که بخشی از آن به عهده معلم علوم

منظور خود را برسانند. ما هم باید در قدم‌های اول
به بچه‌ها یاد دهیم چگونه بین دو جمله پیوند برقرار
کنند و چگونه در متن انسجام ایجاد کنند. ولی قبل
از هر چیز باید مشاهده و تفکر را به دانش آموزان
آموزش دهیم و دایره واژگان آن‌ها
را وسعت بخشیم. در اینجاست که
بحث مطالعه پیش می‌آید. یعنی برای
وسیع کردن گنجینه لغات دانش آموزان
مطالعه هم باید جزو محتوای زنگ انشا
باشد.

نکته دیگری که نباید آن را فراموش
کرد، تلفیق زنگ انشاست. مثلاً
دانش آموز دوره متوسطه قرار است برای
درس علوم اجتماعی تحقیق کند. پس
انشا با آن گره خورده است. یعنی باید
درس انشا تلفیقی از همه درس‌ها باشد
تا عملی شود.

نکته بعدی ارزشیابی و داشتن معیار
برای انشاست که ما را به گفته
رئیس جمهور نزدیک‌تر می‌کند، چرا که در کلاس
فرصت گفت‌وگو ایجاد می‌کند. با داشتن معیار،
بچه‌ها می‌توانند درباره یک نوشته حرف بزنند و آن
را نقد کنند. در این صورت است که می‌توانند هم
خودشان و هم بقیه را ارزیابی کنند.

زین العابدین: بچه‌ها نوشته‌های خود و یکدیگر
را هم باید نقد ساختاری کنند- بر مبنای آنچه از
معلم و کتاب یاد گرفته‌اند- و هم نقد موضوعی. اما

قبل از هر چیز

باید مشاهده

و تفکر را به

دانش آموزان

آموزش دهیم

و دایره واژگان

آن‌ها را وسعت

بخشیم

است، یعنی آن بخش که مشاهده و حواس را به کار می‌اندازد. در برنامه کلی باید به این نکته توجه شود. درباره ارزشیابی هم باید توجه داشت که نباید برای معلمان دست و پاگیر باشد و باری روی دوش آنان بگذارد، چون وقت معلمان خیلی کم است.

اقبال زاده ما انشا را از دبستان شروع می‌کنیم و مرحله نخست در این دوره برطرف کردن نیاز عاطفی است. پرورش عاطفه و برقراری رابطه احساسی، اولین نیاز روحی و روانی بشری است و اولین چیزی است که در دبستان باید اتفاق بیفتد. باید با دانش‌آموز رابطه عاطفی برقرار کرد و به او گفت که می‌تواند دنیا را درست بشناسد. انشا مهم‌ترین درسی است که باید به بچه‌ها نشان دهد که این توان را دارند. این رابطه عاطفی را معلم دبستان باید برقرار کند. اولین مرحله برای نوشتن انشا و خلق کردن و خود بودن، در نظر گرفتن قدرت تخیل و تفکر و عاطفه در درس انشاست. ابتدا جذب

و جلب عاطفه، سپس به کار افتادن قوه تخیل و در نهایتاً تفکر. این امر با درس انشا از دوره دبستان می‌تواند شروع شود. به‌طور کلی، همه این مهارت‌ها را باید از علوم انسانی و اجتماعی به اضافه ادبیات آغاز کرد. در مورد محتوا هم به نظر من اول پرورش عاطفه و تخیل و تفکر باید مدنظر قرار گیرد تا به تدریج و در دوره نوجوانی به تفکر انتقادی برسیم. اما پایه این‌ها زنگ انشای دوره ابتدایی است. علاوه بر این خوب است که زنگ انشا همراه با گفت‌و شنود باشد تا دانش‌آموزان یاد بگیرند هم خوب به حرف دیگری گوش دهند و هم خوب حرف بزنند. دکتر حسین آریان‌پور نظریه‌ای به نام «هم‌آموزی» دارد. منظور از این نظریه، با هم‌آموزی و از هم‌آموزی است. زنگ انشا جلسه «هم‌آموزی» است. می‌توان در این زنگ درباره موضوعی حرف زد و بعد

نوشت. در اینجا معلم نقش مربی را بازی می‌کند، یعنی بقیه را پرورش می‌دهد تا بازی کنند. هر کسی توانایی خاصی دارد و زنگ انشا در واقع زنگ کشف این توانایی‌های متفاوت است. ما انسان ناتوان و بی‌ارزش نداریم. زنگ انشا باید توانایی‌ها را از طریق هم‌آموزی پرورش دهد. به‌طوری‌که دانش‌آموز نترسد و بتواند حرفش را بگوید و خوب گوش کند. جای گفت‌وگوی انتقادی و دوستانه زنگ انشاست. **هابرماس** «شنیدن همدلانه» را مطرح می‌کند. یعنی ما حرف دیگری را نمی‌شنویم که فقط آن را رد کنیم. زنگ انشا، زنگ خرد جمعی است. یعنی در جمع یاد می‌گیریم فردیت خود را شکوفا کنیم و به جمع اهمیت دهیم. به این ترتیب،

هم جمع رشد می‌کند و هم فردیت فرد. در این زنگ همه ترس‌ها باید زائل شود تا قدرت انتقاد شکل بگیرد.

مهرداد به نظر تان معلم انشا چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

اقبال زاده معلم انشا ابتدا باید ابزار نوشتن را بشناسد و آن را به دست دانش‌آموز دهد. همچنین، باید نحوه استفاده خلاقانه از ابزار را هم بداند. سواد ادبی معلمان را هم باید در نظر گرفت. در گذشته زنگ انشا ساعت رفع تکلیف بود. یعنی بعد از درس ورزش، انشا بی‌اهمیت‌ترین درس بود. چون پیش‌نیاز زنگ انشا وجود معلم آشنا به موضوع است. من به تدوین کتاب برای معلمان خیلی اعتقاد ندارم و بیشتر بر آموزش آنان تأکید دارم. چون انشا و نوشتن پدیده‌ای خلاقه است و آموزگار این درس، خود باید آموزش دیده باشد. متأسفانه آموزش‌های پیشینی معلمان ما نابسند و ایستاست و نگاهی معلم‌محور بر آن‌ها حاکم است که بهایی به دانش‌آموز نمی‌دهد. در این آموزش‌ها معلم عقل کلی است که باید همه دانسته‌ها را به دانش‌آموزان منتقل کند. آن‌ها هم باید بپذیرند و درس را پس دهند. درحالی‌که انشا یعنی نشئت گرفتن از ذهن و آوردن آن روی کاغذ. البته بچه‌ها خارج از چارچوب نظام نه‌چندان پویای آموزش و پرورش، خلاقانه‌تر برخورد می‌کنند و آثار آن را می‌توان در دنیای مجازی و پیامک‌ها لمس کرد. مدرسه و آموزش و پرورش رسمی هم باید به باز شدن ذهن ایشان کمک کند. معلم انشا باید بتواند خلاقیت و استعدادهای بالقوه و نهفته بچه‌ها را بیدار کند.

زین‌العابدین من فکر می‌کنم مهم‌ترین ویژگی معلم انشا این است که توانایی نوشتن داشته باشد. اکنون وضع به‌گونه‌ای است که معلمان به‌سبب نوشتن مقاله یا پژوهش و تألیف کتاب، رتبه شغلی بالاتری پیدا می‌کنند و در دانشگاه فرهنگیان هم واحد آموزش نوشتن برای همه معلمان در نظر گرفته شده است. پس این نیاز در آموزش و پرورش احساس شده است و حتی اگر هیچ اقدام مستقلی هم صورت نگیرد، به‌صورت طبیعی این زایمان اتفاق می‌افتد. به‌نظر من نیاز نیست که معلمان انشا را از رشته‌ای خاص مثل زبان و ادبیات فارسی گزینش کنیم. من فکر می‌کنم بسیاری از معلم‌های رشته‌های دیگر توانایی آموزش نوشتن را دارند. برای این کار می‌توان برای معلمان علاقه‌مند موجود، آزمون دقیقی در نظر

گرفت و از میان آن‌ها معلمانی را انتخاب کرد که توانایی پرورش تفکر و نوشتن را داشته باشند. سپس برای آن‌ها آموزش‌های کارگاهی ضمن خدمت برگزار شود تا بتوانند این مهارت‌آموزی را انجام دهند.

کمالی در مورد دبستان این کار عملی نیست، چون رشته به رشته نیستند. بنابراین همه معلمان دوره دبستان باید آموزش ببینند. پس آموزش‌هایمان باید به‌گونه‌ای باشد که آن‌ها را هم دربرگیرد.

می‌توان آموزش‌ها را در دو سطح عمومی و تخصصی برگزار کرد. وقتی می‌خواهیم در دوره دبستان زنگ انشا برگزار کنیم، باید از آموزش عمومی استفاده کنیم، اما می‌توانیم کار را با آموزش تخصصی ادامه دهیم. این آموزش را می‌توان با کمک یک انجمن یا یک گروه مردم‌نهاد در آموزش و پرورش پیگیری کرد.

حسینی‌نژاد به‌نظرم باید وقت و انرژی‌مان را صرف افراد علاقه‌مند کنیم. من در این چند سال کار به این نتیجه رسیده‌ام که باید این کار را عمیق‌تر و جدی‌تر دید. گزینش و انتخاب معلم انشا کار دشواری است. باید تدبیر بلندمدت داشته باشیم و در بازه‌های زمانی کوتاه‌مدت خود را اصلاح کنیم. ■

به احترام معلمان خوبم

هنگامی که دوست خوبم آقای زین‌العابدین گفتند قرار است میزگردی درباره انشا برای رشد معلم برگزار شود، گفتم بیماری پیشرفته‌ام باعث شده به توصیه پزشک، چند ماهی از حضور در هر جمع یا میزگردی خودداری کنم. اما به‌خاطر معلمان خوبم که نقشی جدی در پرورش من و به یقین سرنوشت‌م داشته‌اند، و به‌ویژه آقای ایرج شکرچیان، معلم ششم دبستان من، که به حدی در آموزش ما کوشا بودند که در دوران دبیرستان برای هیچ درسی مشکل نداشتم و پس از او نیز آقای فرح‌وشی، معلم سال آخر دبیرستان یا دوازدهم ما، که در عین آموزش ادبیات، به ما آموزش زندگی داد و نیز به این خاطر که مخاطبان شما معلمان زحمتکش و دلسوزی هستند که پرورش کودکان و نوجوانان کشورم در دست آن‌هاست، این دعوت را پذیرفتم.

امیدوارم جناب آقای شکرچیان و جناب آقای دکتر فرح‌وشی سالیان سال زنده و سلامت باشند و همچنان در فرهنگ‌پروری کوشا و مؤثر. به همه آموزگاران کشورم درود می‌فرستم و از خداوند آرزوی کامکاری‌شان را دارم.

شهرام اقبال‌زاده